زن شرور دو بار زندگی می‌کند

مترجم :

F_S_S12

ویراستار :

F_S_S12

کلینر :

Castlan_A

تایپیست :

Black

کاری از تیم :

Flaxen Guys

@Flaxen_Guys

@Flaxen_Guyss

@Flaxen_Guys

عالیجناب!

لشیا.
نفس نفس!

نگران نباش.
بلایی سر تیا نمیاد.
مسئله این نیست.

این...
چقدر کوچولوست

این...

این همیشه دستشون بود.
لطفاً بهشون برگردونید.

مجبورم کردی

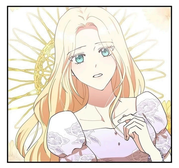

می‌دونم.

فشار دادن

هی!
تیربار

تلق
تولوق
تلق
تولوق

The Villainess Lives Twice

Peachberry :طراح | Park Jinwoo, Kim Dalhae :رنگ آمیزی
Han Mint :نویسنده

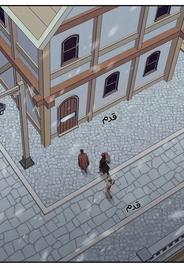

آه...
ترسیدن

اونا مالک زمین؟
ولشون کنید.

آه!
آهها!

بیرون

بهیلر

برداشتن

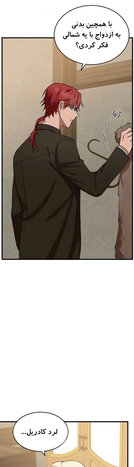
با همچین بدنی به ازدواج با یه شمالی فکر کردی؟
ای؟

لرد کادریل...
این به شما ربطی نداره.

وقتی اینطوری به خودت میگردی...
چطوری بهت اهمیتی ندم؟

بفرما. بگیرش.

آه.

ممکن...

مواظب باش، داغه.

...

می‌خواید با من چیکار کنید؟
می‌دونم باید چیکار کنم.
در اصل می‌خواستم تو رو زن خودم کنم.
نمی‌تونستم بذارم اتفاقی برایش بیفته...
که پلوریس به کشفیاته برگشتیم.
اینا فقط تو داغونه‌ی من نیست.
من تنها کسی نیستم...
که این داغونی‌ها رو دارم.
به خاطر همین یا تونم کنترلم به اشتهای نیلی زنان این باغی نمیاد
با این پیش فرض می‌خواستم بسما آزادی خواستگاری کنم
فکر می‌کردم پوزر آلاینس پسر امپراطوره تنها رقیبمه.
آلاینس از پاهاش با آبجوش پشموی نمی‌شه.

وقتی با خانمی ازدواج کنم و نسبت به وضعش بی‌تفاوت باشم از اون به بعد نگران‌ش‌ات برام پیش نمیاد.

وقتی دوباره استعدادم اقتصادیش شکوفا بشه.

می‌تونستم کودمو طلاق بدم شوهر ذوب فدا کنم.

مطمئن بودم می‌تونم اونو عاشقش کودمو کنم.

وقتی لارنس بهت خیانت کرد؟

هه. خیلی پایان‌نده‌ی قابل پیش‌بینی‌ای بود.

مارتینس عروسک خیمه شب بازی لارنس می‌شد.
بدون اینکه مستقیماً قدرتی برای خودش دست و پا کند.

ببخشید.
ولی اگه تو اون شرایط می‌زدمت، قیافه‌م می‌زدم.
خزد

مگه بهت نگفتم...
لارنسو ول کن و بیا طرف من؟

خیانت دیدن از کسی که بهش اعتماد داری، باید خیلی دردناک باشه، نه؟

کسی که بهش اعتماد داشتم بهم خیانت نکرد.
چون به هیچ‌کس اعتماد نداشتم.

پس این‌دفعه یه آدم قابل‌اعتماد پیدا کردی.
گرند دوک اورون؟ اون قدیسه رو؟

بهم بگید... اون چیه؟
فیش

این همه راه تا اینجا اومدید.
مطمئنم دلیل خوبی براش دارید.

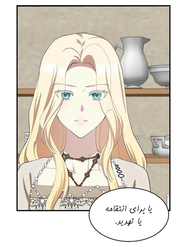
یا برای انتقامه یا تهدید.

نیازی نبود قورش مستقیماً وارد عمل بشه.
تو پایتخت منتظر کشته شدنم بودن.

در مقابل اربابهری، منو به گوشه کشوندن، راه بهترید.
بهتر بود همون موقع که تو قلعه منو گرفتید، می‌کشتید.

پس چرا...

فقط یه چیز می‌خوام.

مارشینس رزان،

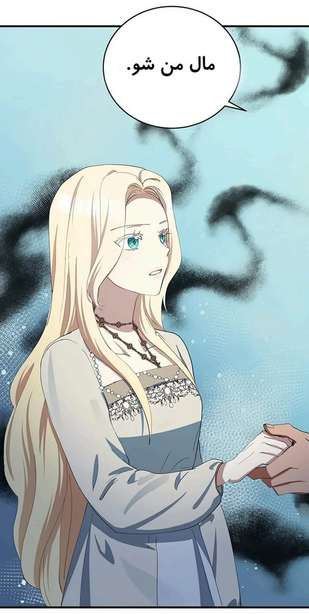
مال من شو.